

عارف با بیان این که احمدی‌نژاد سادترین راه را انتخاب کرد و به همه یارانه داد، افزود: مهم‌ترین گرفتاری ما در عدالت اجتماعی تقسیم بالسویه یارانه ها بوده و به‌نظم عدالت اجتماعی را با مشکل روبه‌رو کرد. این طرح جدید نبود و در دولت اصلاحات کار شده بود و قرار این بود که ما اقشار آسیب پذیر را شناسایی کنیم و گفتیم هر کس زیر خط فقر نسبی است باید یارانه بگیرد اما شناسایی این افراد در برخی موارد مشکل ساز شد و طرح گیر کرد.



مهم ترین گرفتاری در عدالت اجتماعی، توزیع یارانه ها به صورت مساوی بود

گفت و گوی مشروح خراسان با محمدرضا عارف درباره آسیب شناسی ۴۰ ساله نظام و اصلاح طلبان

اصلاح طلبان باید با افراد خارج از ارزش ها وقانون اساسی مرزبندی کنند

آقای روحانی بداند یکی از رموز موفقیت اش داشتن ارتباط نزدیک با جریان اصلاحات است

با ظرفیتی که انقلاب اسلامی دارد و همراهی مردم، انتظار این بود که در دهه پنجم شاخص ها متفاوت باشد

هادی محمدی- ریاست دانشگاه تهران، وزارت پست، تلگراف و تلفن، اولین رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی و معاون اول در دولت های سید محمد خاتمی، از محمدرضا عارف یک اصلاح طلب شناخته شده ساخته است. گفت و گوی خراسان با این چهره بر جسته اصلاح طلب بیشتر درباره آسیب شناسی ۴۰ سال اخیر بود، جایی که نقد ها و گلايه های بسیاری وجود دارد و یک دید معتقد است: با این ظرفیت انقلاب و همراهی مردم و موقعیتی که داریم انتظار این بود که در دهه پنجم شاخص ها متفاوت باشد، این مهندس یزدی یکی از آسیب های اصلی را نا کارآمدی می داند: «بزرگ ترین مسئله ما که امروز به عنوان یک چالش با آن روبه‌رو هستیم ارتقای کارآمدی است» و البته در این زمینه مهم ترین دلایل این نا کارآمدی را برخی ضعف ها در اجرای اسناد با لادستی و نیز ریخته شدن قبیح فساد بر می شمارد. وقتی در حوزه آسیب های جریان اصلاح طلب از او سوالات صریح می پرسیم، او نیز با همان صراحت پاسخ می دهد. جایی که می گوید «من اعتقاد دارم که دینداری اصلاح طلبان و سهم شان در انقلاب ارزش ها نه تنها کمتر از رقیب نیست که بیشتر هم هست». عارف البته این را تأیید می کند که در جریان اصلاح طلب باید مانیفستی تدوین شود که بر اساس آن با برخی افراد مرزبندی روشن و شفافیی وجود داشته باشد: «در جریان اصلاح طلب باید با کسانی که خارج از ارزش ها وقانون اساسی هستند، مرزبندی روشن داشته باشیم» هر چند تأکید می کند که «هیچ یک از اصلاح طلبان شناسنامه دار به اتهام براندازی محاکمه نشده اند». تأکید بر لزوم مرزبندی با کسانی که علیه نظام فعالیت می کنند از این بابت مهم است که این حرف را این بار نه یک چهره آکادمیک یا تئورسین اصلاح طلب بلکه یک شخصیت شناخته شد و اجرایی جریان اصلاح طلب مطالبه می کند. با او درباره مسائل جنجالی دیگری از جمله عملکرد دولت سازندگی در حوزه عدالت، پرداخت یارانه ها در دولت احمدی نژاد و رابطه دولت روحانی با عقبیه اصلاح طلب دولت اش نیز گفت و گو کرده ایم. جایی که عارف به صراحت تأکید می کند: «آقای روحانی بداند یکی از رموز موفقیت اش داشتن ارتباط نزدیک با جریان اصلاحات است..... مشروح این گفت و گوی ۵۸ دقیقه ای را که غروب آخرین روز برسی بود چه توسط مجلس در دفتر کار عارف بر گزار شد، می خوانید.

شما چند سال قبل در گفت و گویی اظهار کردید که انقلاب اسلامی زود پیروز شد و همین باعث شد تا ما وارد کربند زامون و خطا بشویم. الان ۴۰ سال از انقلاب اسلامی می گذرد. به نظر شما ما این روند و مرحله زامون و خطا را پشت سر گذاشته ایم یا همچنان در آن مسیر حرکت می کنیم؟ قبل از هر چیز باید بگویم که بنده یکی از طرفداران و خواننده های نشریات خراسان به ویژه روزنامه و کانال آخرین خبر هستم و سعی می کنم تا کانال آخرین خبر را هر شب نگاه کنم. صمیمانه از همه دست اندر کاران این نشریه وزیر که انصافا به خوبی اطلاع رسانی می کنند می توانم مخاطبان خود را حفظ کند تشکر می کنم.

نکته ای که گفتید بحث جدی، چالشی و مهم ماست که اتفاقا در آستانه دهه پنجم انقلاب که دهه بلوغ انقلاب است باید به آن بپردازیم. نکته ای که همیشه به آن اشاره می کردیم این بود که مدت زمان نهضت از سال ۵۷ تا ۷۴، ۱۵ سال طول کشید، شاید اکثریت انقلابیون باور نمی کردند به این زودی پیروز شود اما عنایت خداوند، رهبری امام، همراهی نخبگان و روشنفکران و حمایت قاطبه مردم با پیروزی انقلاب شد. این ناشدن تأکیدی قبلی برای پیروزی باعث شد تا بیشتر انقلابیون بدون تجربه کافی مسئولیتی اجرایی را قبول کنند و به کارهای اجرایی بپردازند. درگیر شدن در کار اجرایی مشکلاتی که کشور در سال های اول انقلاب با آن روبه‌رو بود به همراهی تجربه ای که امروز اجرایی وقتن زیادی از همه می گرفت. از طرف دیگر دشمنان ما در داخل و خارج متحد شدند تا انقلاب را از بین ببرند و ما با این چهره روبه‌رو بودیم و دیگر مجال خودساری و این که یک برنامه اهر بردی خوب را از ابتدای انقلاب تدوین نداشتیم.

از این جا وارد مسیر زامون و خطا شدیم؟

البته عده ای که ما هم جزو آن بودیم بعد از سال های اول دنبال حرکت بر نامه ای رفتیم اما خیلی ها، باور نداشتند و شرایط هم مهیا نبود. یک بر نامه توسعه تهیه و در مجلس هم تصویب شد اما ابلاغ نشد چون احکام متناقضی داشت. خوشبختانه در نهایت کشور ضرورت داشتن برنامه و حرکت بر نامه ای را تأیید و مسیر حرکت کشور را اصلاح کرد اما با این حال ضرورت ما در برخورد های سیاسی و اقتصادی یک مدیر باید یک نهاد و منافع جریان و باندی امکان این که مایک بر نامه در از مدت اهر بردی را داشته باشیم از ما گرفت و تا دهه ۸۰ سند چشم انداز نداشتیم در حالی که کشور را نمی شود با سلیقه پیش برد و باید برنامه اهر بردی و در از مدت داشت و منافع ملی را تبیین کرد. باید اصول را روشن کنیم و روی اصول اولیه، امنیت ملی و منافع ملی تفاهم عمومی باشد و چالش نداشت باشیم. این اهر بردی است که ما از همان سال های اول انقلاب پیگیری می کردیم و امروز کشور در این مسیر حرکت می کند.

فکر می کنید الان وضعیت بهبود پیدا کرده

است و واقعا از آن حالت گذشته عبور کردیم؟

اجاه به دید به نکته ای که من و آن این که چون تقریبا همه نیروهای فکری ما در امور اجرایی درگیر شدند و امور اجرایی هم شیرینی های خاص خود را دارد، فکر می کنند اگر به یک بار یک رجوع جواب دهند کار مثبتی کرده اند. در حالی که شاید واقعا وظیفه ما دیدن ارباب رجوع نباشد وظیفه ما این است که در اتاق فکر برای آینده کشور سیاست گذاری کنیم. برای همین یک مسئول وقتی به جای کار شناس، جواب مردم را می دهد فکر می کند کار خیر کرده است در حالی که شاید آن روز وظیفه اش را انجام نداده باشد. در حقیقت باید تلاش کنیم تا هر فرد با توجه به جایگاه سازمانی خود وظیفه اش را انجام دهد. خوشبختانه به رغم همه دشمنی ها و مخالفت ها، انقلاب توانسته است جلوه بردار و در این راه کند و راه را بدین حد بسنج چون این ظرفیت انقلاب و همراهی مردم و موقعیتی که داریم انتظار این بود که در دهه پنجم شاخص ها متفاوت باشد. الان یک فرصتی است به نخبگان و دانشگاهیان میدان دهم تا بحث های چالشی و چرایی برخی ضعف ها مطرح شود؛ مثلا چرا در برخی مقاطع چهار ساله یا هشت ساله دولت ها موفق نبودند؟ یا کند ی داشتیم؟ مثلا چه می شود که برنامه سوم موفق ترین برنامه می شود؟ در برنامه سوم ما نفت ۶۰ دلار و دلار قیمت خرید، نمی خواهم قضاوت کنم از اول انقلاب پنج برنامه اجرا کردیم. بیاییم عملکرد برنامه ها را بنگاه چالشی برای رفع مشکلات بررسی کنیم. چرا برنامه چهارم ۲۰ درصد ما برنامه سوم ۹۰ درصد اجرا شد؟ چرا اشتغال ما در برنامه سوم بالای ۶۰ هزار پرسید و جاب دیگر زیر ۱۰ هزار بود؟ الان سمت و سوی کشور تقریبا مشخص است و روی سند چشم انداز و سیاست های کلی و اقتصاد مقاومتی دو فاقی داریم و اگر این اسناد را به عنوان وفاق ملی بپذیریم دست از بار باری و در خورد های سلیقه ای سیاسی بر داریم بهتر به نتیجه می رسیم.

یعنی شما معتقدید اگر امروز اسناد بالادستی

را دنبال کنیم از حالت دودم اول و دوم خارج می شویم؟ از زامون و خطا دوباره برنامه محوریت خارج می شویم؟ تقریبا چنین جمع بندی در ست است با این توضیح که برخی اسناد بالادستی هم باید اصلاح شوند. مثلا سیاست های کلی در یک بخش که ۱۰ سال از زمان ابلاغ آن گذشت احتمالا این را در چوب هم نمی توان دینا منحل شده است و تغییرات سریع بوده اند اما بپذیریم که این سند وقتی

تصحیح شد همه موظف به اجرای آن باشند. برای اجرا شدن سند همه ساز و کار می خواهد مثلا در توسعه اقتصادی نیاز به سرمایه گذاری داریم، تأمین امنیت سرمایه بسیار مهم است و اگر در این زمینه با دولت همکاری نشود، دولت کاری نمی تواند انجام دهد. موضوع دیگر ثبات قوانین است گاهی اوقات قوانین سلیقه ای عوض می شوند و این ثباتی به بار می آورد که نتیجه اش بی اعتمادی به قانون است و اجرای سلیقه ای برنامه ها!

فکر می کنید چه راهکاری باید به کار ببریم که دوره دولت سازی در انقلاب اسلامی به نتیجه مطلوب برسد؟ بزرگ ترین مسئله ما که امروز به عنوان یک چالش با آن روبه‌رو هستیم ارتقای کارآمدی است که یکی از شرایط اش سلامت است زیرا امروز فساد در حقیقت کشور را زجر می دهد و متأسفانه قبیح فساد ریخته شده است. بحث شفاف سازی در اطلاع رسانی و از بین بردن رانت ها بسیار مهم است. موضوع دیگر میدان دادن به نیروهای نخبه و خلایق است که باید یک نخبه با آزادی کامل در همه زمینه ها اظهار نظر کند. دست نخبه و محقق نباید از بیان نظرش بلرز د و خودسازسوری داشته باشد. مسئله دیگر سعه صدر است

در حالی که با بر چسب زدن ها نیروها را حذف می کنیم. انقلاب ما با چاذبه بزرگ و دافعه حداقل بود. آیا عملکرد ما هم همین بوده است یا متأسفانه به اندک چیزی رقیب را حذف کردیم و بر چسب زدیم؟ تحمل کوچک ترین نظیر مخالف را در عمل نداشتیم. مسئله دیگر ما که بر می گردد به نسل اولی ها باید بپذیریم که همیشه نمی شود با نسل ما کشور اداره کرد. ما در کادر سازی و توانمند کردن جوان ها موفق نبودیم در حالی که این مسئله در دنیا حل شده

در جامعه یک حس عمومی مهم است. البته تورم کاهش یافته در ابتدا این بود که همزمان با تورم رونق هم در نظر گرفته شود. داشتن رونق و تورم مثلا ۱۴ درصد برای کشور ما بهتر از تورم یک رقمی و رکود است ضمن این که تورم یک رقمی را هم مردم و اقشار آسیب پذیر باید در زندگی و سفره خود حس کنند. یکی از مسائلی که در همین زمینه مطرح می شود، بحث آزادی های اجتماعی است. طیف های نزدیک به اصلاحات معتقدند که آزادی ای اجتماعی در کشور محدود است. اما اگر با نگاهی طرافه به موضوع توجه کنیم، می بینیم وقتی بحث آزادی های اجتماعی می شود، طیف های اصلاح طلب با منتسب به اصلاحات، توجهی به دغدغه ها و دامنه اعتقادات مذهبی و شرعی طیف های مخالف ندارند اما اگر بروی وقتی بحث آزادی اجتماعی می می شود، ناخود آگاه بحث بی بندوباری و حرمت شکنی از هنجار ها و شائردینی به ذهن متبادر می شود که خودش تبدیل به یک مانع در تحقق این مفهوم می شود. شما تا چه اندازه این را قبول دارید و به نظر چار در اصلاح طلبان، بزرگان جریان به این دغدغه غلط مقابل توجه نکرده اند و راهکار شما در این خصوص چیست؟

این بحث را رقبای اصلاح طلب مطرح کردند و متأسفانه اصلاح طلبان هم هیچ وقت به این موضوع به صورت جدی جواب ندادند. واقعا من اعتقاد دارم که دینداری اصلاح طلبان و سهم شان در انقلاب و ارزش ها نه تنها کمتر از رقیب نیست که بیشتر هم هست. اما دو نگاه وجود دارد که نگاه اصلاح طلبان بنگاه جذب است که البته جذب هم هزینه دارد. ما معتقدیم نباید کسی را از قطار انقلاب پیاده کنیم حتی اگر فرد انبام داشته باشد. ما وظیفه جذب در چار چوب ارزش ها داریم. درباره آزادی هم مینا را باید قانون قرار دهیم و سلیقه ای عمل نکنیم. این که سلیقه افرادی را با شک در فلان شهر کنسرت نباشد پس تعطیل کنیم در ست نیست چرا که با این روش سنگ روی سنگ نمی ماند.

البته کسانی که مخالفت می کند دغدغه دینی دارند و نگرانی از زواج ناهنجاری دینی است. من دنبال این هستم که شما بفرمایید برای این نظری که در باره رفتار اصلاح طلبان در خصوص مسائل دینی وجود دارد چه می کنید تا تنش ها حذف شود؟ آیا هر فردی بر اساس تفسیرش از اصول و قانون و ارزش های می تواند عمل کند؟ این که درست نیست. مینا را قانون بگذاریم و اگر لازم شد قانون را اصلاح کنیم. با این رفتار فعلی نه تنها ارزش ها حفظ نمی شود بلکه حرمت شکنی و ترمز از قانون را یاد می دهیم. وقتی افرادی به خودشان اجازه می دهند تا قانون را زیر پا بگذارند یا از قانون عبور کنند از دیگران می توان انتظار دیگری داشت؟ در چار چوب قانون باید آزادی های مشروع و اقارب به رسمیت شناخته شود و من مطمئن هستم که اگر این میدان را با کنیم بهترین ناظر و کنترل کننده خود مردم هستند. باز تأکید می کنم که اصلاح طلبان همانند همه مردم دغدغه ارزش ها و مسائل دینی را همواره دارند.

اما تغییر قانون پیچیدگی خود را دارد و آن نهادها یا افرادی که با شما با این دغدغه مخالفت می کنند قدرت خود را دارند. راهکار شما برای نرم کردن این ها و اعتماد سازی چیست؟ اگر هر کسی خواهد از قدرتی که در اختیار دارد استفاده کند به کجا می رویم؟ آیا می شود در یک کشور و در شهر دو سلیقه متفاوت حاکم باشد؟ آن فردی که قدرت دارد اگر شخصیتی و تعدیل احساسی شریبطی ایجاد کرد که ایشان در دولت دوم خود سعی کرد اصلاح کند ولی بالاخره اولویت

تفاوتی بین عملکرد دولت ها درباره عدالت

اجتماعی که حسیتید؟

دولت ها شرایط متفاوتی داشته اند، دولت هشت ساله دفاع مقدس موفق بود بعد از آن هشت سال که حس عمومی تباهی را کمتر احساس می کرد، سیاست دولت اول هاشمی و تعدیل اقتصادی شریبطی ایجاد کرد که ایشان در دولت دوم خود سعی کرد اصلاح کند ولی بالاخره اولویت

مهم ترین گرفتاری در عدالت اجتماعی،

توزیع یارانه ها به صورت مساوی بود

گفت و گو



عکس: عباس پور

۶۶

واقعیت این است که برای روی کار آمدن این دولت خیلی هزینه کردیم و احساس ما این است که با حمایت از این دولت می توانیم همان مسیری را که فکر می کنیم مسیر عقلانیت و رشد و توسعه کشور است دنبال کنیم. موضع ما در دولت اول و دوم به صورت کلی حمایت از آقای روحانی است اما احساس ما این است که دولت باید جدی تر درباره مطالبات مردم کار بکند و تعامل نزدیک تری را با جریان اصلی حامی خود که یک هدف مشترک داشتیم برقرار کند

حضور در نهادهای قانونی پاسخ گو نبودند و عذر خواهی هم نکردند. دولت به مجلس و نهادهای دیگر پاسخ گوست ولی وقتی از دولت بیرون می آید خیلی از نهادهای پاسخ گو نیستند و عموما هم دست اصولگرایان بوده است.

مثلا اصلاح طلبان حاضر نیستند اشتباهاتی را که در ۸۸ یا دوره های دیگر داشتند قبول کنند.

درباره حوادث ۸۸ قبلا نظر خود را اعلام کردم و انتظار من این است که تحلیلی جامع از ۸۸ بشود. حداقل من از سال ۹۱ به بعد بار ها گفته ام باید حوادث و رویدادها بر سری آسیب شناسی شود و سهم افراد و جریانات مختلف مشخص شود و آن وقت هر کس لازم شد باید از مردم عذر خواهی کند.

یکی از آسیب هایی که انقلاب ها با آن مواجه می شوند این است که از اصول خود دور می شوند. مثلا وقتی مردم می بینند که اشرافی گری در میان مدبران و مسئولان وجود دارد خواه ناخواه تحمل ضعف های مالی و امکانات برایشان نامکن می شود. برای این آسیب اشرافی گری چه باید کرد؟

متأسفانه این یک واقعیت است اما آن را در حدی که در جامعه مطرح شده و دل مردم خالی می شود جدی نمی بینم. اشرافی گری هست و نگاهی که در دهه ۶۰ و ۷۰ بود الان نیست یعنی به این شکل که دامن زده می شود نیست و راهکارش این است که باید در چار چوب قانون

امکانات و اختیارات افراد بررسی شود در انتخابات افراد قانونی وارد بشود هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در فضای عمومی کشور ما یک نوع سیاست زدگی حس می شود به جای این که روی مشترکات جلو برویم گرفتار اختلافات شده ایم. شاید علت اصلی این باشد که افراد در کشور ما خیلی مسئولیت پذیر نیستند و راهکار حل این مسئله هم این است که واقعا به صورت جدی به سمت تحزب و پاسخ گویی برویم. تا کنون با جریان ها جلوه رفته ایم اما در موقع پاسخ گویی کسی را نمی توانیم پیدا کنیم که مسئولیت بپذیرد. نوعی فرد گرایی و محوریت فرد که بخشی از آن ریشه در فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم سلیقه حاکم و ویژگی های قدرت

است حل می شود.

در همین زمینه دو قطبی شدن جامعه ایران

از دیگر آسیب هاست. مسئله این است که چهره های اصلی جریان های سیاسی سرکش کشور تقریبا همیشه خود را در طیف متعلق به خود تعریف کرده اند، ولو حتی اگر این طیف اشتباهاتی داشته باشد. یعنی گرفتار قبیله گرایی شده اند. شما به عنوان یکی از اصلی ترین چهره های جریان اصلاح طلب چقدر این نقد قبیله گرایی را به

بزرگان جریان خود وارد می دانید و برای آن چه کرده اید؟ بخشی از این قبیله گرایی به فرهنگ و بخشی ایراد در سازو کار های قانونی دارد بخشی هم س